

تعیین نموده، اما در تبصره ذیل ماده ۵۹۲ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است چنانچه رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد و یا شکایت نماید هم از مجازات معاف باشد و هم مال به وی مسترد گردد علی‌هذا با شناختی که قانونگذاران از جامعه داشته‌اند در مورد رشوه دهنده سخت‌گیری ننموده و به انحاء مختلف، خواسته‌اند از مجازات معاف شود تصور می‌گردد در آینده نزدیک که دستگاه قضایی می‌خواهد از قوانین جرم زدایی نماید مجازات حبس در مورد رشوه دهنده حذف گردد.

۳- در حال حاضر و با توجه به قوانین موجود، امکان طرح پرونده‌های رشوه دهندگان در دادسرا و دادگاههای نظامی وجود ندارد و چنانچه قوه قضائیه در آینده چنین ضرورتی را تشخیص دهد لازم است با تسلیم لایحه‌ای به مجلس شورای اسلامی مجازات رشوه دهندگان به مأمورین نظامی و انتظامی در صلاحیت دادگاههای نظامی قرار گیرد. مسلم است که چنین امری در حال حاضر با سیاستهای قوه قضائیه در تضاد آشکار می‌باشد.

ضوابط و قواعد خاص حاکم بر بازداشت موقت

الحمد محمدرضا یزدانیا

قاضی دادسرای نظامی همدان

اهمیت قرار بازداشت موقت که آزادی افراد را مورد تعرض و تهدید قرار می‌دهد اقتضاء نموده که اصول و قواعد و مقررات دقیق و گسترده‌ای از لحاظ بین‌المللی و قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف چارچوب و قلمرو صدور آن را تعیین و ترسیم نماید. اصولی مانند صدور در موارد خاص و استثنایی، محدودیت مدت آن، پذیرش حق تجدیدنظرخواهی متهم و لزوم جبران خسارت ناشی از بازداشت غیرضروری زوایا و

ابعاد مختلف قرار موصوف را تحت کنترل و نظارت دقیق قضایی قرار می‌دهد. قواعد و ضوابطی که می‌توان از آنها به عنوان اصول مهم مربوط به تضمین حقوق متهم در دادرسی عادلانه و منصفانه یاد کرد. در این گفتار به لحاظ اهمیت موضوع مهمترین اصول و مقررات حاکم بر بازداشت موقت را به طور گذرا و اجمالی بررسی می‌نماییم:

الف - محدودیت صدور بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت شدیدترین قرار تأمین است که درباره متهم صادر می‌شود چرا که قرارهای تأمین دیگر به عنوان قرارهای جانشینی یا محدود کننده آزادی معروفند فقط آزادی متهم را در پاره‌ای از موارد محدود می‌کنند در صورتی که قرار بازداشت موقت سالب آزادی متهم می‌باشد. قرار مزبور علاوه بر این که یک اقدام قضایی شدید محسوب می‌شود مغایر با اصل برائت نیز است.^(۱) به همین مناسبت قرار بازداشت موقت باید با کمال دقت و احتیاط به موقع اجرا گذاشته شود تا موجبات خسارت مادی و معنوی متهم بویژه افراد بی‌گناه را فراهم نسازد و به آزادی فردی که در قوانین اساسی کشورهای جهان، منشور ملل متحد، اعلامیه‌های متعدد حقوق بشر و در بسیاری از میثاقهای بین‌المللی اعلام و تضمین گردیده است لطمه‌ای وارد نیارد.^(۲) بنابراین استفاده از قرار بازداشت موقت باید محدود به موارد معین با شرایط و ضوابط خاص قانونی باشد. به همین علت در جهان کنونی اصل « صدور قرار بازداشت موقت در موارد خاص و استثنایی» در قلمرو آیین دادرسی کیفری پذیرفته شده و به نوعی در مقررات بین‌المللی و قوانین موضوعه کشورهای مختلف لحاظ گردیده است. در حقوق فرانسه بازداشت موقت در صورتی صادر می‌شود که مجازات قانونی جرم دو سال حبس یا

۱- اصل برائت که از آن به عنوان میراث مشترک حقوقی همه ملل مترقی جهان یاد شده یکی از اصول مهم و اساسی و پیشرفته دعوی جزایی بوده که در مقررات و معاهدات بین‌المللی و قوانین اساسی کشورهای مختلف اعم از نظامهای حقوقی کامن‌لا و حقوقی نوشته به عنوان یک اصل ثابت و بنیادی به رسمیت شناخته شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصل برائت را بدین شرح بیان نموده است. «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

۲- محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد ۲ (چاپ پنجم)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد

بیشتر و یا یک سال در جرایم مشهود باشد مشروط بر این که قرارهای کنترل قضایی کافی نباشد. در حقوق انگلستان به عنوان یک قاعده کلی بازداشت موقت متهم در صورتی که جرم ارتكابی مستلزم مجازات حبس نباشد ممنوع است مگر این که متهم قبلاً تحت قرار تأمین آزاد بوده و از حضور نزد مقامات قضایی در مواقع تعیین شده امتناع داشته باشد.^(۱)

ب - محدودیت مدت بازداشت

یکی از ضوابط مهم حاکم بر قرار بازداشت موقت «محدودیت مدت آن» است. محدود کردن مدت بازداشت یکی از ابزارهای مهم نظارت و کنترل قضایی توقیف احتیاطی می باشد. در کشور فرانسه قبل از قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ از اصطلاحات «توقیف احتیاطی» و «آزادی موقت» استفاده می شد ولی قانون موصوف اصطلاح توقیف یا بازداشت موقت را جایگزین اصطلاحات سابق نمود؛ علت این جایگزینی هم این بود که با توجه به «اصل برائت» اصل بر آزادی دائم و کامل متهم است و توقیف باید استثناء و موقت باشد.^(۲) در حقوق ایران نیز امروزه به جای توقیف احتیاطی از اصطلاح «بازداشت موقت» استفاده می شود.^(۳) لزوم محدود بودن مدت بازداشت متهم در معاهدات و قراردادهای منطقه ای یا بین المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.^(۴) در فرانسه مدت بازداشت موقت در امور جنحه چهارماه و در جنایات حداکثر یک سال است که مدتهای مزبور قابل تمدید است. البته مدت بازداشت موقت در امور جنحه از یک سال تجاوز نمی کند مگر در شرایط خاص که می توان هر بار حداکثر چهارماه دیگر آن را تمدید کرد که در این صورت مدت بازداشت نباید از دو سال تجاوز نماید مشروط

۱- حسنعلی موذنزادگان «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن» رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۷۳ ص ۲۵۴

۲- در بند ۵ ماده ۱۲۹ ق.آ.د.ک با اقتباس از ماده ۱۳۷ قانون آ.د.ک سابق فرانسه اصطلاح توقیف احتیاطی به کار برده شده است.

۳- ر.ک. به: قانون آ.د.ک دادگاههای عمومی و انقلاب

۴- ر.ک. به: بند ۳ ماده ۹ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۶ قرارداد اروپایی حقوق بشر و بند ۵ قطعنامه کنگره بین المللی حقوق جزا «برزیل ۱۹۹۴»

بر این مجازات جرم ارتكابی بیش از پنج سال نباشد.^(۱) در لبنان و سوریه محدودیتی برای مدت بازداشت پیش‌بینی نشده است. در انگلیس مدت بازداشت موقت به طور عادی هشت روز و در آمریکا در سطح دادگاههای فدرال مدت بازداشت حداکثر صد (۱۰۰) روز می‌باشد.^(۲) در کشور سوئیس وفق قانون کاتون ژنو مدت بازداشت موقت هشت روز و تمدید آن با هیأت تشخیص اتهام است. در مصر نیز مدت توقیف متهم در جرایم جنحه‌ای سه ماه و در جرایم جنایی شش ماه در نظر گرفته شده است.^(۳) در حقوق ایران وفق مقررات تبصره ۲ الحاقی ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری که فعلاً در دادرسیها و دادگاههای نظامی لازم‌الاجرا می‌باشد هرگاه در امر جنایی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه متهم در بازداشت بسر برد و پرونده منجر به صدور کیفرخواست نشده باشد مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار بازداشت یا ابقاء آن با ذکر علل و جهات قانونی می‌باشد. پس طول بازداشت متهم وفق مقررات ق.آ.د.ک حسب مورد ۲ یا ۴ ماه می‌باشد. قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ مدت بازداشت موقت در جرایم مربوط به مواد مخدر را چهارماه تعیین کرده است.^(۴) قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب طول مدت بازداشت را کاهش داده که سیاست قانون جدید به نفع و مساعد به حال متهم بوده و از این جهت نسبت به قانون آ.د.ک حقوق و آزادی فردی متهم را بهتر تضمین می‌کند.

برابر مقررات ماده ۳۷ قانون موصوف قاضی مکلف است در کلیه موارد پس از مهلت یک ماه در صورت ضرورت و با ذکر دلایل و مستندات قرار بازداشت موقت را تجدید و در غیر این صورت متهم را با تأمین مناسب آزاد نماید.

۱- ژان لاریه، آیین دادرسی کیفری فرانسه، ترجمه حسن کاشفی اسمعیل زاده (چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۷۸) صفحات ۴۴ و ۴۳

۲- حسنعلی مؤذن‌زادگان «حق دفاع متهم در آیین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن» رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، ۷۳ ص ۲۵۸ و ۲۵۷

۳- منوچهر خزانی، فرایند کیفری (چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۷۷) ص ۵۴

۴- ماده ۳۷ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶

پس مدت بازداشت موقت در دادگاههای عمومی و انقلاب یک ماه تعیین شده است.

ج- لزوم جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت غیرقانونی

با تمام تمهیدات و تدابیری که جهت کنترل بازداشت موقت در بعد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها پیش‌بینی شده است موارد زیادی اتفاق می‌افتد که متهم استحقاق بازداشت را نداشته و من غیر حق و بدون رعایت شرایط و ضوابط قانونی توقیف شده است. حال در چنین مواردی جبران خسارت زندانیان بیگناه به عنوان ضمانت اجرای تخلف از ضوابط بازداشت موقت ضرورت دارد.

بند ۵ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این مورد تصریح نموده که «هرکس به طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت شود حق جبران خسارت خواهد داشت.» مسأله جبران خسارت افراد بیگناه تا اوایل قرن بیستم در قوانین اکثر کشورها پیش‌بینی نشده بود زیرا در خصوص اصل لزوم پرداخت خسارت زندانیان بی‌گناه بین صاحب‌نظران و حقوقدانان وحدت نظر وجود نداشت. مهمترین دلایل مخالفین جبران خسارت مغایرت پذیرش اصل مزبور با برخی از قواعد حقوقی مانند قاعده حاکمیت امر مختومه جزایی و اصل عدم مسؤولیت دولت در قبال خساراتی که در راه اجرای عدالت قضایی و یا حفظ نظم عمومی و مصالح اجتماعی ممکن است بر اثر بازداشت موقت به برخی از افراد جامعه وارد شود، می‌باشد.

برخی از حقوقدانان صرف صدور حکم براءت و یا قرار منع تعقیب را برای دریافت خسارت کافی نمی‌دانند و معتقدند که متهم وقتی استحقاق دریافت خسارت را دارد که بیگناهی واقعی خود را ثابت نماید. پروفیسور لئوته و ودل از جمله حقوقدانان برجسته‌ای بودند که این نظریه را ابراز داشته‌اند.^(۱) قانون ۲۹ ژوئیه ۱۹۰۳ آلمان از این نظریه پیروی نموده بود. قانون سوئیس در این مورد قایل به تفصیل شده و در مورد قرار منع تعقیب اثبات بی‌گناهی واقعی را شرط دانسته ولی در مورد حکم براءت چنین ضابطه‌ای را لازم

نمی‌داند. قانون ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۰ فرانسه صدور حکم قطعی براءت یا قرار منع تعقیب در مورد خساراتی که غیرعادی و مهم باشند را برای تقاضای جبران خسارت کافی دانسته است. اصل جبران خسارت زندانیان بی‌گناه در قوانین بسیاری از کشورها از نیمه دوم قرن بیستم پذیرفته شده است.^(۱) قانون ۱۹۷۳ بلژیک و قانون ۱۹۷۱ آلمان نیز در صورت صدور قرار منع تعقیب یا حکم براءت متهم جبران خسارت را تحت شرایطی پیش‌بینی کرده‌اند؛ ولی کشورهای پیرو نظام کامن‌لا و کشورهای آفریقایی و عربی و سوسیالیستی جبران خسارت زندانیان بی‌گناه را نپذیرفته‌اند.^(۲) در حقوق ایران جبران خسارت ناشی از بازداشت موقت تحت این عنوان به طور صریح در قانون اساسی و یا قوانین عادی پیش‌بینی نشده است، لیکن حکم جبران خسارت مادی یا معنوی ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی گردیده است. تبصره ۴ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و... مصوب ۱۳۳۴ نیز لزوم جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم را مورد تأکید قرار داده است. در اصل ۱۷۱ قانون اساسی برای جبران خسارت هم «فرضیه تقصیر» و هم «فرضیه خطر» پذیرفته شده که در صورت تقصیر خود قاضی و الا دولت مسؤول جبران خسارت می‌باشد. نتیجه‌ای که از این بحث حاصل می‌شود این است که براساس قاعده «لاضرر» و «ضمنان» و «حق جبران خسارت متهم» و اصل «انصاف» و تکلیف اصل ۱۷۱ قانون اساسی متهم بی‌گناه که بازداشت شده است باید حق مراجعه به قاضی یا دولت را در خصوص جبران خسارت خود داشته باشد.^(۳)

۱- جبران خسارت زندانیان بی‌گناه در کشورهای ژاپن، هلند، اتریش، سوئد، رومانی و لهستان نیز تحت شرایطی پیش‌بینی شده است. - ر.ک به: محمد آشوری «لزوم جبران خسارت زندانیان بی‌گناه» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شماره‌های ۱۵ و ۱۶، ۱۳۵۲.

۲- منوچهر خزانی، فرایند کیفری «مجموعه مقالات» (چاپ اول، تهران، گنج دانش، ۷۷) ص ۶۰

۳- هوشنگ ناصرزاده؛ آیین دادرسی کیفری (چاپ اول؛ سال ۷۳)؛ ص ۲۰۱



یک جدول و دو مدعی

اشاره: در صفحه ۲۷۷ مجله شماره ۳۷ نموداری از جدول ارث را چاپ کردیم که همکاران آقای علیرضا محمدی، قاضی دادگاه عمومی ایذه فرستاده بودند، با انتشار مجله، نامه‌یی دریافت داشتیم از همکار دیگرمان آقای جهانگیر آریان‌پور از دادگستری ایلام که مرقوم داشته بودند نمودار ارث که در آن شماره به چاپ رسیده است خلاصه‌یی از جزوه تهیه شده توسط ایشان بوده است که در نیمه اول سال ۸۰ به مجله فرستاده‌اند و رونوشتی از آن را طی شماره $\frac{۱/۶۷}{۸۰/۵/۱۷}$ ت به معاونت آموزش و تحقیقات قوه هم ارسال داشته‌اند. در پی دریافت این نامه و هنگامی که به سابقه مقالات شماره ۳۷ مراجعه کردیم ملاحظه شد که راهنمای یاد شده به پیوست نامه‌یی با دستخط آقای محمدی دادرس شعبه چهارم دادگاه عمومی ایذه ارسال گردیده است که تاریخ آن نامه ۸۰/۷/۲۸ بوده است و مهر سبزی هم امضاء را موکد کرده است. اما وقتی راهنمای سهم الارث وراثت نسبی و سببی در قانون مدنی ایران را که به وسیله آقای آریان‌پور تهیه و تنظیم شده بود نگاه کردیم انکشف که عناوین و محتوا با اندک تفاوتی همان است که در مقاله آقای محمدی هم دیده می‌شود و البته از دیباچه راهنمای آقای آریان‌پور معلوم می‌شود که مشارالیه مقاله خود را در تاریخ ۷۹/۱۱/۱۸ تایپ کرده‌اند، اینک با بعید نشمردن توارد

در تحقیق، همچنان که در شعر، این دو همکار عزیز را در فصل قضیه به انصاف و مدارا می خوانیم.

□ آقای سید محمد علی حسینی معاونت انتظامی و رئیس شورای برنامه ریزی سازمان زندانها در نامه محبت آمیزی با اشاره به میزگرد مجله در خصوص مجازاتهای جایگزین زندان مندرج در شماره ۳۹ مجله مرقوم داشته اند که:

احساس و برداشتم این است که نظرات ارائه شده حکایت از نگرانیها و دغدغه های یک قاضی دانشور و فرهیخته به مقوله زندان و کرامت زندانیان دارد لیکن ظاهراً ضلع سوم این مثلث که زندانیان است مغفول عنه واقع شده است.

لذا اینجانب به عنوان عضو کوچکی از خانواده بزرگ قوه قضائیه در سازمان زندانها که سالها افتخار خدمت در سطوح مختلف سازمانی را داشته ام و با خدمات و تلاشهای صادقانه زندانبانان خدوم از نزدیک آشنا و مطلع هستم و از سویی، احترام ویژه ای برای حضرت عالی که بدون هیچ گونه مبالغه از مفاخر جامعه شریف قضات هستید قائم، تقاضا دارم در فرصتی که مجال می دهد دعوت این حقیر را اجابت فرموده و از یک زندان و یا کانون اصلاح تربیت و تحولات به عمل آمده در آن بازدید فرمائید. اطمینان دارم مشاهدات این بازدید و عندالاقضاء انعکاس آن در مجله موجبات دلگرمی و تشویق خادمین گمنام عرصه اصلاح و تربیت، همانان که با عشق و تأسی به: افضل الاعمال احمضها، تحمل هر رنجی را در زندان به جان خریدند فراهم خواهد نمود ان شاء الله.

□ آقای عباس ملکی رئیس ثبت اسناد و املاک زرند در نامه ای که به سردبیر نوشته اند یاد آور شده اند که:

مجله حقوقی و قضایی در حال حاضر از مطالب و مقالات مفید و مؤثری برخوردار و در بسیاری از موارد راه‌گشا است اما هنوز هم می‌تواند مؤثرتر باشد در صورتی که مسائل حقوقی و قضایی را از ابعاد مختلف دیگری نیز مورد نقد و بررسی قرار دهد مثلاً توجه به مسائل ثبتی و مالکیتی که امروز قسمت اعظمی از پرونده‌های دادگستری را تشکیل می‌دهد مورد کم توجهی قرار گرفته و در این زمینه بحث و مطالب بسیار اندک است که ان‌شاءالله در فرصت مناسب به طور مشروح و مبسوط در این زمینه بحثی را باز نموده و مطالبی را به عرض خواهیم رساند در پایان ضمن آرزوی موفقیت برای شما و همکاران پرتلاشتان خواهشمند است این اداره را مورد لطف قرار داده و محبت خود را از ما دریغ نفرمائید.

□ عزیزی که خود را معرفی نکرده است بر کار سردبیر در میزگرد جایگزینهای مجازات حبس مندرج در شماره ۳۸ مجله خرده گرفته‌اند که چون بینشها و باورها را اگرچه با ما و اگر چه بر ما محترم می‌شماریم سه نکته موضوع نامه ایشان را عیناً درج می‌نمایم:

اول: هیچ کس از تخریب دیگران جهت تعمیر خویش طرفی نبسته که جناب عالی دومی باشید، بنابراین بی‌هیچ شبهه‌ای بدانیم که روزی نیز آلترناتیوهای ما درباره گفتارها و نوشتارها و ژست‌گیری‌های ما به داوری خواهند نشست و خواهند دید که چگونه خیلی از چیزها و برخی از اشخاص را به خاطر چهار صباح زودگذر دنیا با علامت تعجب و پرسش روبرو داشته‌ایم از این رو با تکیه بر ذات اقدس حق و زیستن در پناه ایزد دل‌پذیرتر از پناه بردن به غیر اوست چرا که و ما عندکم ینقد و ما عندالله باقی.

دوم: در سخنان بدون بسم الله و احساساتی خویش بیان داشته‌اید که: «در عصر ما یعنی قرن بیست و یکم انسان اگرچه خطاکار و اگرچه قانون شکن جایگاه ویژه‌بی یافته

است...» ص ۲۸ شماره ۳۸ مجله خود.

در این زمینه باید اظهار داشت: اگر منظور حیث انسانی بودن این انسانهاست که از روز ازل مکرم و معزز بوده‌اند و اگر حیث خطاکاری آنان منظور است که حاشا و کلاً! سوم - بیشتر مواردی که به عنوان اشکالات مجازات حبس بیان داشته‌اید یا اند، پاسخ نقضی دارد چرا بی که تغییری پیش آید، عین اشکالات مطروحه در اجرای حدود و دیگر تعزیرات نیز جاری است، ناچار خواهید یا خواهند فرمود که «به شرح ایضاً» که در این صورت همان پاسخی را باید به محضرتان معروض داشت که سید مرتضی در پاسخ اعتراض ابوالعلائی معری در مورد جرایم حد سرقت بیان داشت که از منظر فرهیختگانی چون آن سردبیر مخلص دانشور نشریه دور نخواهد ماند.

«یکی از قضات دستگاه قضایی که از حیث

ویژگیهای شخصیتی و منش، دارای

مشکلاتی هستند. ص ۲۹ همان»

□ آقای کاظمی، سرپرست مجتمع قضایی اجرای احکام دادگستری مشهد [رئیس سابق واحد ارشاد و معاضدت قضایی دادگستری خراسان]

در نامه‌ای با اشاره به مطلب چاپ شده در شماره ۳۸ مجله مرقوم داشته‌اند:
در صفحات ۲۱۶ الی ۲۱۹ شماره ۳۸ آن مجله، مطلبی به قلم جناب آقای صداقت فرجی نیر معاون محترم قضایی دادگستری استان اردبیل چاپ شده است که ضمن آن از تشکیل ابتکاری! دفتر تحقیق و بررسی در استان مذکور خبر داده‌اند و آن را اقدامی دانسته‌اند که برای اولین بار در ایران صورت گرفته و تا قبل از تشکیل این دفتر، به فکر کسی نرسیده و در هیچ یک از دادگستریهای ایران چنین محلی تشکیل نشده بود!
تا آنجا که ما از استان محل خدمت خود (خراسان) خبر داریم، چنین امری چندان

هم بی سابقه نبوده است و حداقل در استان خراسان از سابقه طولانی و پرثمری برخوردار می باشد. مطابق آماري که جناب آقای فرجی نیز ارائه داده اند، ظاهراً دفتر مذکور از مردادماه سال ۱۳۸۰ در آن استان تشکیل شده است حال آن که سابقه این امر در دادگستری خراسان به سالهای دورتر برمی گردد: تا قبل از سال ۷۹ اعمال مقررات ماده ۱۸ سابق به صورت متمرکز زیر نظر معاون قضایی و سپس قائم مقام دادگستری خراسان صورت می گرفت و پرونده ها توسط کارشناس حقوقی یا شخص ایشان بررسی و نسبت به اعمال ماده فوق الذکر اتخاذ تصمیم می شد. النهایه از ابتدای سال ۱۳۷۹ و در اجرای مواد ۴ الی ۶ برنامه سال ۷۹ دادگستری خراسان (تصویر پیوست می باشد) واحد ارشاد و معاضدت قضایی تشکیل گردید و بررسی و اعمال مقررات مواد ۲۳۵ و ۳۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی بر دوش قضات و کارشناسان این واحد قرار گرفت روند کار در این واحد بدین صورت است که درخواستهای اعمال موارد فوق الذکر از متقاضیان دریافت و ثبت می گردد و سپس تعیین وقت می گردد تقاضای اصله در وقت تعیین شده بررسی می گردد و چنانچه دلایل و مستندات کافی تشخیص داده شود، نسبت به مطالبه و بررسی مجدد پرونده و عنداللزوم اعمال مقررات مواد فوق الذکر اقدام می گردد و این امر از سال ۱۳۷۹ تاکنون ادامه دارد. بنابراین تشکیل چنین واحدی بر خلاف فرمایش معاون محترم قضایی دادگستری اردبیل هم به فکر کسی رسیده بود! و هم «اولین بار در ایران» نبوده است و اگر قرار به چنین ادعائی باشد علی الظاهر دادگستری خراسان از نخستین مدعیان خواهد بود. /خ

مجله حقوقی - تصویر صفحاتی از برنامه سال ۷۹ دادگستری خراسان که در آن در مواد گوناگونی به موضوع مختلف فیه پرداخته اند، در دفتر مجله نگهداری می شود.



□ آقای دکتر محمد رضا فهمیده، ریاست مرکز پزشکی قانونی استان کهگیلویه و

بویراحمد به بهانه روز پزشک [۸۱/۵/۳۱] محرومیت‌های آقایان پزشکان قانونی را در نامه‌ای مفصل بر شمرده‌اند که ضمن تصدیق گله‌های ایشان، چون بعدها متن نامه را در شماره $\frac{۷۴}{۸۱/۶/۱۱}$ هفته نامه مآوی چاپ کرده بودند از طبع مجدد آن خودداری شد لیکن در همین جا از مسؤولان رفاهی قوه می‌خواهیم که این همکاران بزرگوار را نیز همچون دیگر کارکنان قوه قضائیه حمایت و پشتیبانی نمایند.

□ خانم دکتر سیده آفاق حسینی، ریاست مرکز پزشکی قانونی شهرستان بانه نوشته‌اند: با توجه به این که مراکز پزشکی قانونی در اغلب شهرستانها به صورت تک پزشکی اداره می‌شوند، خواهشمند است در زمینه مشکلات حضور و در دسترس بودن دائمی پزشک در ساعات غیر اداری و ایام تعطیلی با وجود عدم دریافت حق کشیک و برخورد آمرانه و بعضاً غیراخلاقی برخی از قضات جوان تحقیقات لازم به عمل آمده راهکارهای مناسب از سازمان پزشکی قانونی کشور اخذ و یا از سوی مجله به سازمان ارائه شود.

مجله حقوقی نامه این همکار گرامی را طی شماره $\frac{۱۰۰۸/۸۱}{۸۱/۵/۲۳}$ برای آقای دکتر محفوظی فرستادیم و طبعاً پیگیر قضیه نیز خواهیم بود.

□ آقای محمدعلی مهدی زاده، قاضی دادگستری، از مرکز حفاظت و اطلاعات قوه قضائیه نامه‌ای فرستاده‌اند و در آن بر ترجمه‌ای که آقای محمد حسین ساکت در شماره ۳۸ مجله از مقاله هادی الحمدانی داشته‌اند، نقدی کوتاه نگاشته‌اند که می‌خوانید:

ضمن تشکر از زحمات بی بدیل و مساعی عالمانه آن برادر ارجمند در رشد و تعالی آن مجله وزین و آرزوی توفیق برای کلیه دست اندرکاران محترم آن نشریه، به استحضار

می‌رساند در شماره ۳۸ مجله اخیرالانتشار به مطلبی تحت عنوان «نگرشی بر روند تاریخی و حقوقی زندان در حقوق اسلام پیش از تدوین و تدوین» برخورد نمودم که با مطالعه تمام آن مقاله مطالبی به ذهن رسید که حیفم آمد آن را به قلم نیاورده و بازگو نکنم؛ که ذیلاً در عین ادای احترام و مراتب فروتنی خدمت نویسنده محترم مقاله مذکور جناب آقای ساکت به آن می‌پردازم ان شاء الله که سخنی به بیراهه نباشد و زمینه تعالی و تعامل و تقابل آراء در حوزه اندیشه صنفی تلقی گردد.

۱- عنوان ترکیبی مقاله که ملهم از متن اصلی در مقاله عربی و لاتین می‌باشد تا حدودی مبهم و فاقد رسایی است چه این که گستردگی عنوان مقاله با محتوای محدود متن تناسب ندارد و می‌دانیم که در عرف نویسندگی عنوان کتاب یا مقاله باید کاملاً وصف در برگیرندگی متن را لزوماً داشته و یا بالعکس ریز متون یک مقاله باید آن قدر غنی باشد که جامعیت و بزرگی عنوان را تأمین نماید و باید تناسبی منطقی بر متن و عنوان مقاله حاکم باشد حال آن که عنوان مقاله مزبور در حالی که مؤید این است که می‌خواهد یک مسیر طولانی و روند ممتد زندان در اسلام را به نمایش بگذارد، مع الوصف می‌بینیم که چنین هدفی تأمین نیست بلکه صرفاً از وضعیت زندانها و پاره‌ای از آرای علما و فقهای مسلمان در یک دوره از ادوار اسلامی سخن به میان آمده، فلذا حق بود از چنین عنوان بزرگ و جامع‌الاطراف استفاده نمی‌شد.

۲- این اشتباه بزرگ به آقای هادی الحمدانی وارد است که مسامحه عنوان «السجون فی الاسلام» را برای مقاله خودش برگزیده، چه این که اگرچه تحقیق و پژوهش ایشان در برشمردن تعدادی از زندانها در جوامع مسلمین جای تحسین دارد زیرا که به خوبی، مستند یا غیرمستند صحیح یا ضعیف وضعیت زندانها در زمان حکومت‌های جبار اموی و عباسی را تبیین نموده و هدف مقاله‌اش نیز در همین حد برآورده می‌شود، اما اشتباه سنگین ایشان آنجاست که ایشان آن همه و آن گونه زندانهای دوران حکومت بنی‌العباس را ناخواسته و ناشیانه به اسلام نسبت داده و در ذهن خواننده غیر مسلمان و یا مسلمان

مبتدی و کم آشنا به ارزشهای انسانی و کمالات الهی اسلام این طور القاء می شود که در دین اسلام که آن همه دم از رأفت و رحمت و عدالت و شرافت و کرامت انسانی زده می شود این همه زندانهای مخوف به مراتب بدتر از زندانهای قرون وسطایی وجود داشته و گویا در ذهن او این محابس و سجون با آن اوصاف ضدبشری به اسلام پاک منتسب می شود. اما آیا واقعیت و حقیقت این است؟

چه کسی است که نداند بنی عباس چه جنایاتی در حق اسلام و اهل بیت طاهرین (ع) و قاطبه مسلمین نکرده اند؟

چه کسی منکر این است که اسلام زدائی بنی العباس به مراتب شدیدتر از اسلام ستیزی بنی امیه بوده است؟

بله ما هم قبول داریم که در سیاهچاله های مخوف بنی امیه و مخصوصاً بنی عباس جنایات و ستمهایی به مردم مظلوم آن روزگار می شد که شاید در تاریخ بشری کم سابقه و حتی بی سابقه بوده است و این دو قوم چهره هرچه جلاد و خونخواران عالم بشریت را سفید نمودند. اما آیا این حق را داریم که چون اینها به نام اسلام و سیره پیامبر اسلام (ص) حکومت می رانند، این همه جنایات آنها را به پای اسلام و مسلمین بنویسیم و آن همه زندانها و شکنجه گاهها را به نام زندانهای اسلامی بنامیم چون وقتی که می گوئیم «زندانها در اسلام» این عبارت در ذهن خواننده این قابلیت ادبی را هم دارد که قید (در) حذف شود و به جای آن (یای اضافه) جایگزین شود. یعنی «زندانهای اسلام» مثل این که بگوئیم «زندانها در ایران یا زندانهای ایران»، فلذا پرواضح است جناب الحمدانی که خود نیز از محققین مسلمان است چه کج سلیقه بزرگی به خرج داده و چه بهتر بود که او در تعقیب هدفش که همانا احصاء و شمارش و تبیین وضعیت زندانها در بلاد اسلامی بوده به جای عنوان «زندانها در اسلام» عنوان «زندانها در جوامع مسلمین» را انتخاب می نمود تا هم به هدف خود می رسید و هم آن زندانها، انتسابی به اسلام پیدا نمی کرد و هم یک پیام فرعی یعنی مراتب ظلم بنی امیه و بنی عباس و مظلومیت عترت طاهرین و پیروان

آنها و عامه مسلمین را عیانتر می ساخت. با توجه به مطالبی که معروض شد کاش مترجم محترم همین عنوان «زندان در اسلام» را انتخاب می نمود. چرا که ایشان با اضافه نمودن کلمه «حقوق» تازه نوعی جنبه رسمی تر به وضعیت اسفبار آن زندانها و تعلق آنها به اسلام داده است. چون وقتی گفته می شود سیر تطور زندان در حقوق اسلام یعنی این که می خواهد گفته شود که در حقوق اسلام و شریعت اسلامی زندان چه تعریف داشته و چگونه بوده و برای چه بوده است یعنی یک نوع متناسب نمودن رسمی و علمی زندان به دین مبارک اسلام.

حال سؤالی که مطرح می شود این است که زندانهای موصوف که به اسلام نسبت داده شده در کدام اصول و موازین شریعت مقدس اسلام اعم از آیات و روایات و مباحث فقهی فقهای عظام مخصوصاً فقه اهل بیت (س) مورد تأیید قرار گرفته است؟ البته که ابدلاً بلکه بر عکس واقعیت این است که در شریعت اسلام و فقه اهل بیت (ع) و در دوره حکومت عملی ناب اسلامی (حکومت پیامبر (ص) و امیرالمؤمنین (ع)) از تأسیس زندان جز در حبس مؤبد و در موارد استثنایی آن هم با قید حرمت کوچکترین نوع شکنجه و در نهایت رعایت حقوق انسانی زندانی، به کار گرفته نشده است.

فلذا شایسته بود که مترجم محترم که به مراتب استادی و قوت علمی ایشان اذعان دارم. اولاً در انتخاب عنوان مقاله خویش آن هم با آن وسعت، عنایت بیشتری مبذول می داشت و ثانیاً به جای این که اشتباه جناب الحمدانی را جبران نماید، خود به این اشتباه بیشتر دامن نمی زد و با یک درجه تشدید، آن وضعیت ضدبشری و ضد اسلامی زندانهای متعلق به سرمداران ظالم حکومت کننده بر مسلمین را به حقوق سلیم و طاهر اسلام پیوند رسمی نمی داد. اگرچه که صدالبته این نوع برداشت و ایراد متصوره، در گوشه ذهن مترجم ارزشمندی چون جناب آقای ساکت مغفول مانده و عمدی از سوی ایشان در میان نبوده، لکن معذنا به لحاظ احساس و وظیفه و ادای تکلیف و احترام به مقاله مذکور و حوزه پاک تحقیق و اندیشه روانداشتم که بدین مختصر که قلمی گردید مراتب

برادری و دوستی خویش را اعلام ننمایم. تا در نظر دوست چه آید مقبول. /ب

□ آقای بیژن صلاحی، سرپرست اداره زندان مسجد سلیمان در نامه‌ای که به سردبیر نوشته‌اند، ضمن ابراز محبت یادآور شده‌اند که: چنانچه بتوانید در خصوص مشکلات و مسائل موجود در زندان و کار طاقت فرسای زندانبانی جهت اطلاع خوانندگان بویژه قضات محترم جدیدالاستخدام جهت ارائه راهکار مناسب مطالب بیشتری درج کنید به نظر می‌رسد بسیاری از مشکلات و معضلات زندان دفع خواهد شد.

مجله حقوقی - پرداختن به اداره زندان، حقوق زندانی و دشواریهای کار زندانبان که بخش بزرگی از وظایف دادگستری را تشکیل می‌دهد، قطعاً کارساز و راهگشا و شایسته است. در مورد زندان و زندانی بسیار نوشته‌ایم و توجه به مشغله زندانبانی را در گرو گفت و شنود با خود آنان می‌پنداریم که البته، گر دهد دست...

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی